

## مفهوم مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی

دکتر موسی‌الرضا اکبری (رئیس مجتمع قضائی شهید بهشتی)

### قسمت دوم

#### مفهوم شخصیت حقوقی

شخصیت حقوقی یا شخصیت به‌طور اختصار، یعنی صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آنها. مطابق ماده (۵۸۸) ق.ت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد فاعل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت و امثال آن.»

مثلاً وقتی می‌گوییم فلان شخص دارای شخصیت حقوقی است منظور این است که شخص صلاحیت و توانایی آن را دارد که در اجتماع دارای حقوقی شود و بتواند آن را اجرا کند یا طرف تکلیف قرار گیرد.

شناخت شخصیت حقوقی برای جمعیت یا مؤسسه‌ای به این معناست که:

- ۱\_ عمده‌ای از اشخاص طبیعی که اعضای آن جمعیت یا مؤسسه هستند دارای منافع مشترکند.
  - ۲\_ این منافع مخصوص آنها بوده و به کلی از منافع سایر افراد جداست.
  - ۳\_ اعضای این گروه از نظر روابط حقوقی با اشخاص ثالث، تمام آنها حکم واحدی را دارند.
- مثلاً قراردادی که یکی از اعضا به نمایندگی از اعضای دیگر امضا می‌کند، تمام اعضا را متعهد می‌سازد.

#### نتیجه شناسایی شخصیت حقوقی:

۱\_ نمایندگی تمام اعضای گروه؛

۲\_ تکلیف دارایی و حقوق و تکالیف.

#### مبحث اول: اقسام اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی بر دو قسم هستند: ۱\_ اشخاص حقوقی حقوق خصوصی؛ ۲\_ اشخاص حقوقی حقوق عمومی. الف) اشخاص حقوقی حقوق خصوصی: دارای دو خصوصیت هستند: ۱\_ تابع قواعد حقوق خصوصی هستند و مانند اشخاص عمومی از امتیازات حقوق عمومی بهره نمی‌برند. ۲\_ نمی‌توانند فردی را به‌رغم میل و رضایتش بپذیرند؛ مثلاً سندیکا یا انجمن نمی‌تواند شخص را به اجبار به عضویت درآورد.

#### گفتار اول) اشخاص حقوقی حقوق خصوصی

این اشخاص به دو دسته بزرگ تقسیم می‌شوند:

الف) شرکت‌های تجاری

به‌موجب قانون تجارت، شرکت‌های تجاری مشروط به اینکه برطبق ضوابط و تشریفات قانونی به‌ثبت رسیده باشند دارای شخصیت حقوقی هستند.

ب) مؤسسات غیرتجاری

به‌موجب قانون، مؤسسات غیرتجاری از تاریخ ثبت در دفتر مخصوصی که وزارت دادگستری معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند و مادام که به ثبت نرسیده‌اند فاقد شخصیت حقوقی هستند.

مهم‌ترین اقسام مؤسسات غیرتجاری عبارتند از:

۱\_ انجمن‌ها (مقاصد فرهنگی، علمی، ادبی و ورزشی)،

۲\_ سندیکاها (دفاع از منافع شغلی).

## گفتار دوم: اشخاص حقوقی عمومی یا اشخاص عمومی

اشخاص حقوقی خصوصی شامل اشخاص طبیعی و اشخاص حقوقی مانند شرکت‌ها و انجمن‌ها هستند، ولی اشخاص عمومی منحصرأً از اشخاص حقوقی تشکیل می‌شوند. اشخاص عمومی عبارتند از:

۱\_ دولت: چون دولت مظهر اقتدار اجتماع و گرداننده و مدیر آن است ناگزیر طرف حقوق و تکلیف قرار می‌گیرد و اموالی در اختیار دارد که برای اداره امور کشور به کار می‌برد و به نام اعمال حقوقی انجام می‌دهد و دائن و مدیون می‌شود. دولت ایران نیز دارای شخصیتی حقوقی است.

در برخی کشورها تقسیمات کشوری مانند استانها و شهرستانها مثلاً در فرانسه دپارتمانها، اشخاص عمومی محسوب شده و به این عنوان دارای اموال، حقوق و تکالیف متمایز از دولت هستند؛ ولی در ایران، استانها و شهرستانها دارای شخصیت حقوقی نیستند. وزارتخانهها هم شخصیت حقوقی ندارند، آنها در واقع تقسیمات داخلی شخصیت حقوقی دولت هستند.

۲\_ شهرداریها: به موجب قانون شهرداریها مصوب تیرماه ۱۳۴۴ شهرداری مؤسسه‌ای است که دارای شخصیت حقوقی، استقلال مالی و اداری است. شهرداری دارای دارایی، بودجه حقوق و تکالیف مخصوص و متمایز از دولت می‌باشد.

۳\_ شوراهای اسلامی کشور به موجب قانون تشکیل شورای اسلامی کشوری مورخ ۱۳۶۱ دارای شخصیت حقوقی بوده و حق اقامه دعوا علیه اشخاص حقیقی و حقوقی و دفاع در دعوا را دارند.

۴\_ نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی

به موجب قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۹ تیر ۱۳۷۳، مورد شناسایی قرار گرفته‌اند:

۱\_ شهرداریها و شرکتهای تابعه آنان مادام که بیش از ۵۰٪ سهام متعلق به شهرداری می‌باشد.

۲\_ بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.

۳\_ هلال احمر

۴\_ کمیته امداد امام

۵\_ بنیاد شهید

۶\_ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی

۷\_ بنیاد پانزده خرداد

۸\_ سازمان تبلیغات اسلامی

۹\_ سازمان تأمین اجتماعی.

## گفتار سوم: شرایط و اوصاف مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی

هرگونه مسئولیت در حقوق عمومی مثل حقوق خصوصی باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱\_ وجود خسارت یا ضرر؛

۲\_ ارتکاب فعل خسارت‌بار؛

۳\_ رابطه سببیت، یعنی وجود رابطه بین ضرر و عمل یک شخص معین.

الف) وجود ضرر: خسارت عبارت از اینکه شخص در نتیجه تعدی یا تفریط شخص دیگری متضرر می‌شود. خسارت بر دو قسم است: ۱\_ مادی، ۲\_ معنوی. خسارت اعم از مادی یا معنوی باید متضمن شرایطی باشد تا بتواند قابل جبران باشد و این شرایط عبارتند از:

۱\_ **خسارت باید مسلم باشد:** منظور از مسلم بودن این است که خسارت در زمان حال فعلیت داشته باشد و یا اینکه ظهور آن در آینده قطعی باشد و اگر خسارت احتمالی و حدسی باشد قابل جبران نیست. مثلاً هرگاه جراحی بر کارگری وارد آید که بلافاصله در نتیجه مداوا بهبودی یابد خسارت در این مورد فقط مربوط به هزینه مداوای مدت معالجه است، ولی اگر جراحی وارد شده به قسمی باشد که کارگر مجبور به استراحت در مدت معینی بشود مسلم است که دو جور خسارت به او وارد آمده است: یکی خسارت هزینه معالجه و دیگری خسارت مربوط به آینده؛ یعنی خسارت چند ماه بیکاری. یا اگر کسی اسبی داشته باشد که معمولاً در مسابقات اسب دوانی برنده باشد، و اسب مزبور به واسطه خطای یک نفر مجروح شود و در اثر آن جراحی نتواند در مسابقه شرکت کند، صاحب اسب نمی‌تواند از بابت عدم شرکت اسب در مسابقه تقاضای مطالبه خسارت کند. چون به هیچ‌وجه مسلم نیست که اسب مورد بحث هر دفعه در مسابقه پیروز شود؛ به عبارت دیگر این خسارت احتمالی است و قابل جبران نمی‌باشد.

۲\_ **خسارت باید خاص باشد:** یعنی اینکه فرد یا افراد معینی متضرر شده باشند و اگر خسارت عام باشد قابل جبران نیست؛ مثلاً اگر اکثریت مردم یک شهر و یا یک ناحیه از اقدامات دولت متضرر شده باشند خسارت وارد شده قابل جبران نمی‌باشد؛ چون بی‌عدالتی به‌طور عادلانه بین تمام افراد تقسیم شده است. یا به عبارت دیگر، این خسارات ناشی از اعمال حاکمیت دولت بوده که به‌منظور رفاه عمومی صورت گرفته است. ولی اگر ضرر و زیانی به کرات متوجه یک یا چند نفر شود، جنبه خاص بودن خود را از دست نمی‌دهد و تبدیل به عام نمی‌شود و هر دفعه خسارت باید جبران شود.<sup>(۱)</sup>

۳\_ **خسارت باید غیرعادی باشد:** به این معنا که بعضی خسارتهای مختصر که لازمه هرگونه فعالیت، بویژه فعالیت اداری است و عرف هم آن را عادی تلقی می‌کند. مدنی می‌گوید: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد» و در بند دوم همان ماده می‌خوانیم: «هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلیتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد».

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

۱\_ ابوالحمد، دکتر عبدالمجید، مجموعه مقالات، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.

۲\_ همان منبع.